

متن پرسش

سلام بر استاد طاهرزاده عزیز: عرضی داشتم که به نظرم مسئله این روزهای ما نوجوانان باشد: طبیعت ما انسانها بخشی حیوانی دارد که خداوند متعال این طبیعت را درون انسان قرار داده و انسان الان با حکمت خدای متعال دارای یکسری غرایز حیوانی است. موضوع صحبتم درباره یکی از این غرایز یعنی شهوت جنسی است! می‌دانیم که خداوند با حکمتش طوری مقرر کرده که انسان بعد از بلوغ جنسی بتواند بوسیله ازدواج به این نیازش پاسخ بدهد (البته نه اینکه کل هدف ازدواج این باشد). اما در حال حاضر و در این تاریخی که زندگی می‌کنیم با ورود فرهنگ و سبک زندگی بیگانه به اندیشه افراد، آن طبیعت انسان کاملاً از یادها رفته است و کاملاً فراموش شده که برخلاف طبیعت انسان نباید عمل کرد. راهکارهایی که پیشنهاد می‌شود اعم از اینکه بایستی صیغه کرد یا تقوا را افزایش داد یا تغذیه را طوری تنظیم کنیم که محرک میل جنسی نباشد و دعا و مناجات و... هیچکدام ۱۰۰ درصد اثر ندارند حتی ۳۰ درصد هم اثر ندارند! آیا نوجوانان امروز بر حسب تاریخی که در آن هستند نباید راه حلی جلوی راهشان گذاشته بشود؟ «بر حسب اقتضای زمانه شان»؟ (می‌گویند صیغه کنید: اما منطقی نیست! وقتی پسر نوجوان راضی نیست که همسر آینده اش قبلاً با پسری رابطه برقرار کرده باشد قطعاً دختران هم راضی نیستند که همسر آینده شان با دختری رابطه داشته باشد). این موضوع مسئله بزرگی است برای ما نوجوانان! آخر ما با صرف دانستن اینکه گناه بزرگی است که به هر روش غیر از ازدواج، میل جنسی را ارضا کنیم نمی‌توانیم عملی متناسب با دانسته مان داشته باشیم! اصلاً جهان مفاهیم به درد ما نمی‌خورد! ما به این نتیجه رسیده ایم که محض دانستن، مشکل مان حل نمی‌شود. تغذیه مان را مدتی اصلاح می‌کنیم روزه می‌گیریم مباحث معرفتی جنابعالی را دنبال می‌کنیم ولی طبیعت انسان را که نمی‌شود تغییر داد اگر تغییر دهیم، انسان نخواهیم داشت پس قابل تغییر نیست! اکنون نوجوانان ما خواهان راهکار جدید اند متناسب به سعه شان (ما فهمیده ایم که آخر الزمانی ها سعه بی نظیری دارند). خداوند متعال هم با حکمتش فکر این دوره و زمانه را کرده است و بالاخره ایشان می‌دانستند که چنین دوران بی نظیری خواهد آمد. حال به نظر حضرتعالی راهکار الهی برای این مشکل، بر حسب مخاطب (نوجوانان) و در این تاریخ چیست؟ با تشکر □

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: آری! شرایط بس بسیار سخت و سخت‌تر از سخت است. در جلسه‌ای که خدمت آیت الله ابراهیم امینی «رحمت‌الله‌علیه» آن مرد حساس به تعلیم و تربیت جوانان بودیم با

طرح شرایط پیش‌آمده برای جوانان در این زمانه، هم خودشان اشک ریختند و هم حاضران به گریه افتادند. ولی با این‌همه از آن جهت که در هر حال مسئله جنسی مربوط به بُعد اصلی یعنی فطرت الهی انسان نیست؛ می‌توان در این مورد فکر کرد که محرومیت از آن، مثل محرومیت از انس با خداوند نیست که انسان را از ابعاد اصیل خود محروم کند و به همین جهت مقاومت در مقابل کشش‌های غریزی در شرایطی که امکان جوابگویی به آن نیست؛ ابعادی از شخصیت انسان را به انسان نشان می‌دهد که حکایت از توانایی‌های بالقوه او داشته و از این جهت بنده با تفکر نسبت به این موضوع در سال‌های اخیر و با نظر به محرومیت‌هایی که در این رابطه برای جوانان عزیزمان پیش آمده، به این فکر فرو رفته‌ام که نکند خداوند بنا دارد اَبَرانسان‌هایی را به میان آورد که نشان دهد جوانانِ آخرالزمانی ما حتی در چنین شرایطی که بسی طوفانی و هولناک است، توان خودداری و تقوای خود را در خود زنده نگه داشته‌اند تا دریچه‌های عرشی که به روی آن‌ها گشوده شده است، همچنان باز بماند و یا با مقاومت خود، دریچه‌های عرش را به روی خود بگشایند. با جوانانی روبرو هستم که از هویت عرشی آن‌ها در حیرتم. نمی‌دانم اگر جناب اویس قرنی به این تاریخ تشریف می‌آوردند، این جوانان به او اقتدا می‌کردند و یا او به این جوانان؟! «!!! از چنین تاریخی در حیرتم که خداوند بنا دارد چه صحنه‌هایی بیافریند!!! و به فرشتگان خود بگوید: «أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ» (بقره/۳۳) نگفتم من در راستای علم خود به غیب آسمان‌ها و زمین، چیزهایی می‌دانم؟ و می‌دانم آنچه را که برای شما آشکار است و چیزهایی که شما آن را پنهان کرده‌اید و خداوند در این راستا نسبت به چنین انسان‌هایی بر فرشتگان خود فخر فروخت. موفق باشید